

به نام خدا

مقابله با تجمل‌گرایی در سیره امام رضا علیه‌السلام

احد داوری^۱

وحید بی‌آزار^۲

Davariahahad.blog.ir

چکیده

گرایش به زیبایی و جمال دوستی یک امر فطری در بشر هست و مسئله تجمل و تجمل‌گرایی از دیربگام مورد توجه ملت‌های گوناگون از جمله مسلمانان بوده است، زندگانی امام رضا علیه‌السلام نیز از این قاعده مستثنا نیست به‌گونه‌ای که آن حضرت در مواردی به زینت و تزیین سفارش نموده‌اند و افراط و تفریط در تجمل را مورد نکوهش قرار داده‌اند. پژوهشی که انجام گرفته به روش توصیفی تحلیلی سعی دارد تا تجمل به شکل مثبت و منفی را از هم تفکیک کرده و شکل نادرست آن را تبیین نماید، لذا ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی «تجمل»، به ذکر مصادیق از آراستگی به عنوان گونه‌ی مثبت تجمل پرداخته و مواردی در سیره امام رضا علیه‌السلام را ذکر کرده است؛ از جمله تشویق به آراستگی، آراستگی به هنگام دیدار دیگران، استفاده از عطر، سفارش به استفاده از انگشتر عقیق، سفارش به سرمه کشیدن و خضاب کردن. آنگاه نویسندگان در بررسی تجمل‌گرایی افراطی در اندیشه رضوی موارد زیر را مهم‌ترین راه مقابله با تجمل‌گرایی عنوان کرده‌اند: تشویق به ساده زیستی در سیره‌ی رضوی، نکوهش تجمل‌گرایی، تشویق به اعتدال و میانه‌روی، توجه به اصل مساوات و برابری، توجه به اصل عدم وابستگی به دنیا، عدم فخرفروشی، عدم حسادت در زندگی، عدم تاثیرپذیری از امت‌های دیگر، راضی بودن به رضای پروردگار، توجه به هدف خلقت انسان، مشارکت در امور خیر و توجه به نیازمندان و یاد معاد.

واژگان کلیدی: تجمل‌گرایی، زینت، آراستگی، میانه‌روی، مقابله، امام رضا علیه‌السلام.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه علوم قرآن و معارف قرآن کریم؛ دانشکده علوم قرآنی مراغه ahaddavari@gmail.com

۲- دانشجوی دانشکده علوم قرآنی مراغه

دین مبین اسلام دینی کامل و جامع و آیین اعتدال، زیبایی و آراستگی است و علاوه بر حیات اخروی، زندگی دنیوی انسان را نیز مد نظر داشته و توجه به جمال و زینت همواره در آموزه‌های ائمه علیهم السلام به خصوص امام رضا علیه السلام به عنوان یک ارزش مطرح گشته و از کمالات بشری محسوب می‌شده که انسان همواره با داشتن تمایل فطری به پاکی و آراستگی با ابزار تزئین به دنبال آن بوده است ولی امروزه زیبایی با گسترش جمعیت و به وجود آمدن اقوام مختلف، شکل دیگری به خود گرفته و تبدیل به یکی از مهم‌ترین مباحث فرهنگی شده است و مطالعات گسترده‌ای در بعد نظری در این موضوع و ارائه راهکارهای عملی برای مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی آن ضروری می‌نماید تا بتوان از آسیب‌های آن که یک جامعه را به خود درگیر ساخته را در امان نگاه داشت، اصل تجمل به معنای زینت و تزئین در اسلام پذیرفته شده است و همواره به آن سفارش شده است اما نه آن زینتی که در دنیا و آخرت موجب عیب و ایراد باشد و این‌زمانی اتفاق می‌افتد که از اعتدال خارج شده و به سوی اسراف و افراط کشیده شود که این، از نظر آموزه‌های اسلامی مردود اعلام شده زیرا چنین افرادی دنیا را قرارگاه ابدی خود پنداشته‌اند و می‌خواهند در آن از سایرین سبقت جسته و خود را برتر نشان دهند که این خود باعث گمراهی آنان شده و امروزه گسترش این تجمل‌گرایی به شکل منفی در جوامع گوناگون مشاهده می‌شود به همین دلیل نویسنده در این پژوهش درصدد است تا راهکارهایی از سیره امام رضا علیه السلام در مقابله با این نوع تجمل‌گرایی بیان کند.

از این رو پژوهش حاضر با نگرش به سیره رفتار و گفتار امام رضا علیه السلام به دنبال پاسخ به این سوالات است: تجمل‌گرایی چیست؟ و چه ضرورتی در زندگی دارند؟ زیبایی و آراستگی در سیره امام رضا علیه السلام به شکل بود؟ و راه‌های مقابله با تجمل‌گرایی افراطی در سیره رضوی چیست؟

۲- روش پژوهش و گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهش توسعه‌ای محسوب می‌گردد که در روش از ترکیب روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ با این توضیح که همه روایات مربوط به تجمل‌گرایی در احادیث نقل شده از امام رضا علیه السلام در منابع مختلف روایی و تفسیری و سیره منقول از حضرت در کتب سیره و تاریخ، گردآوری و پس از طبقه‌بندی، ارتباط هر حدیث با تجمل‌گرایی استخراج گردید (توصیف)، سپس با تجزیه و تحلیل احادیث و دقت در تعبیر و عبارت‌های آن، نگرش جامع و سیستمی به آنها صورت گرفته است تا تحلیل جامعی درباره مقابله با تمل‌گرایی در سیره امام رضا علیه السلام ارائه گردد (تحلیل)؛ البته از ذکر همه روایات مرتبط با بحث در یافته‌های پژوهش خودداری و فقط بخشی از احادیث مورد اشاره قرار گرفته است که به طور مستقیم مربوط به موضوع مورد بحث هستند.

گردآوری و داده‌ها و اطلاعات در پژوهش حاضر بر اساس روش کتابخانه‌ای انجام شده و دسترسی به کتاب‌های مذکور از طریق کتب چاپی و نرم‌افزارهای تخصصی نظیر سیره معصومان، جامع الاحادیث،

کتابخانه تخصصی امام رضا علیه السلام و کتابخانه اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته است.

۳- پیشینه پژوهش

جستجوی نویسندگان در منابع اطلاعاتی از جمله کتابخانه‌ها، سایت‌ها و نرم افزارها بیانگر آن است که تحلیل مکتوبی در قالب کتاب یا مقاله درباره مسئله مورد بحث پژوهش یعنی «مقابله با تجمل گرایی در سیره امام رضا علیه السلام» منتشر نشده است، البته در باره اصل موضوع تجمل گرایی از دیدگاه اسلام یا نگرش آیات قرآن به تجمل گرایی، مقاله‌هایی به رشته تحریر درآمده است، از جمله مهم‌ترین این نگاشت‌ها می‌توان به کتاب «تجمل گرایی از دیدگاه اسلام» به قلم علی رضا رستگاران و مقاله «دنیاگرایی، آسیبی فرهنگی از منظر قرآن»، تألیف سید مصطفی احمدزاده و «آثار دنیاگرایی و تجمل خواهی در آموزه‌های اسلامی» اثر محمد آصف عطایی و «آسیب شناسی تجمل گرایی در رفتارهای فردی و راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از آن» به قلم حسین افسر دیر و عصمت رحیمی اشاره کرد که در این مقالات به طور کلی مباحث تجمل گرایی مطرح شده یا پیامدهای تجمل گرایی تبیین شده است، همچنین راهکارهای قرآنی و روایی پیشگیری از تجمل گرایی به طور کلی مطرح شده است ولی از تجمل گرایی در سیره رضوی سخنی به میان نیامده است.

۴- مفهوم شناسی

تجمل گرایی، مرکب از دو واژه «تجمل» و «گرایی» می باشد. تجمل، واژه ای عربی است که مصدر باب تفعّل است و گرایی نیز پسوندی فارسی است، تجمل گرایی یک واژه فارسی است و در عرف فارسی زبانان مفهوم خاص خودش را دارد. اما آنچه که باید مورد توجه باشد این است که گرایش به تجملات در اصل معنایی مثبت را به دنبال دارد؛ ولی در عرف اشاره به قانون شکنی درباره تجمل وافراط و تفریط در این باره است. و در اصطلاح تجمل گرایی به معنای رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی است.

تجمل و تجمل گرایی در ادبیات عرب معنایی مثبت دارد که همان آراستگی و زینت با استفاده از زیورآلات است که آن را بسیار زیبا و ارزشمند جلوه می دهد. راغب اصفهانی زینت را به طور کلی بر سه نوع می دانند که عبارتند از: زینت باطنی مثل علم و اعتقادات خوب، زینت بدنی مثل نیرومندی و اندازه قد، زینت خارجی مثل زیور و مال است (راغب اصفهانی، (بی تا)، ص ۳۸۸). علمای لغت شناس برای کلمه تجمل نیز معانی مختلفی از جمله آرایش کردن و زیبا شدن را ذکر کرده‌اند. (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۰) زمخشری در مقدمه الادب می نویسند: تجمل یعنی اینکه خود را به چیزی بیاراست. (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶) و یا تجمل: آرایش کردن زنان است (موسی، (بی تا) ج ۱، ص ۳۵۱) پس تجمل، همان زینت و آرایشگری است تا به چشم بیننده زیبا به نظر برسد که این نه تنها در آرایش صورت و لباس بلکه در اخلاق و رفتار خودنمایی می کند.

۵- تجمل و آراستگی در سیره رضوی

برای مقابله با تجمل گرایی باید ابتدا شیوه صحیح آن را به مردم آموخت آنگاه با شیوه های نادرست مقابله کرد، لذا لازم است تا تجمل گرایی مورد تایید امام رضا علیه السلام تبیین شود، تجمل گرایی به شکل صحیح در سیره امام رضا علیه السلام گونه های مختلفی داشته است که به بخشی از این موارد مرتبط به زینت و زیبایی اشاره می شود.

۵-۱- تشویق به آراستگی

توصیه به زیبایی و آراستگی از سفارش های همیشگی پیامبر اکرم و امامان بزرگوار بوده است و از همان ابتدا به آن تأکید داشته اند و فرموده اند با آراستگی به زیور آلات نعمت هایی را که خداوند در اختیار تان گذاشته را نمایان سازید. چنانکه امام صادق علیه السلام از جد بزرگوارشان امام علی علیه السلام روایت فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النَّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ» - خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد و دوست می دارد که نشانه نعمت بر بنده اش دیده شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۸) و در روایت دیگر در تکمیل این حدیث آمده است: خداوند بدحالی و بدبخت نمایی را (و خود را بدبخت و نادار و بیچاره و ضعیف نشان دادن) زشت می دارد. زیرا هنگامی که خداوند به بنده ای نعمتی داد، دوست دارد اثر آن نعمت را در زندگی او ببیند. (منسوب به علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۵۴) این خود نشانگر اهمیت موضوع زیبایی و آراستگی در سبک و سیره امام رضا علیه السلام هست که شیعیان را به این امر سفارش نموده اند.

برترین نوع پوشش ظاهری لباس انبیا و امامان علیه السلام است زیرا که این افراد الگوی بشریت هستند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «...اللباسُ الظاهرُ فَنِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى تُسْتَرُّ بِهَا عَوْرَاتُ بَنِي آدَمَ وَ هِيَ كَرَامَةٌ أَكْرَمَ اللَّهُ بِهَا» - لباس ظاهری نعمتی است از جانب پروردگار متعال که بوسیله آن زشتی های فرزندان حضرت آدم را که کرامتی است از خداوند نسبت به آن، می پوشاند. و خدا می فرماید: «لباس تقوا برای او بهتر است و اما لباس ظاهری پس نعمت است از جانب پروردگار متعال که می پوشاند زشتی های فرزندان حضرت آدم را که کرامتی است از خداوند نسبت به آن». (منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ ق، ص ۳۰)

آراستگی در لباس پوشیدن باید در حد اعتدال باشد نه کمتر و نه بیشتر. گاهی افراد در تشخیص این مورد دچار اشتباه می شوند زیرا معیار های خود را با آموزه های دینی منطبق نکردند در جریان امام رضا علیه السلام عده ای از ایشان ایراد می گیرند که چرا لباس خوب پوشیدند که امام در جواب می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف / ۳۲) - بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است. یوسف پیامبر لباسهای حریر زربفت میپوشید و بر پشتی های خاندان فرعون می نشست و تکیه می داد. (کلینی، ج ۶، ص: ۴۵۴-۴۵۳) و در روایت

دیگر بزنطی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: پدرم می گفت: نظر شما درباره لباس زیبا چیست؟ گفتم: در اخبار رسیده که امام حسن علیه السلام لباس های زیبا می پوشید، و جعفر بن محمد علیهما السلام لباس های تازه می خرید و در آب فرومی برد و سپس در برمی کرد، و به من می گفت تو هم بیوش و خود را نو کن. (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۷)

در روایتی نقل شده است که از ابو جعفر باقر- علیه السلام- پرسیدند: شکرانه لباس نو چیست؟ فرمودند: بعد از پوشیدن لباس نو بگوید: «بار خدایا، این جامه را مایه میمنت و تقوا و برکت قرار ده؛ بار خدایا، عبادتی شایسته و طاعتی بایسته روزیم کن و توفیقم ده تا شکر نعمت را ادا نمایم؛ خدا را سپاس که این جامه را عطا کرد تا اندام خود را بپوشانم و در برابر مردم جمال خود را بیارایم». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۵۸)

۵-۲- آراستگی به هنگام دیدار دیگران

آراستگی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که انسان در برخورد با سایرین باشد و از آنجایی که ارتباط بشر با خداوند محکم تر از سایر روابط است پس می توان گفت برترین زیبایی باید در هنگام عبادت جلوه نمایی کند همان گونه که در آیاتی به آن اشاره شده است: «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمُ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ...» - ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید - اعراف/۳۱. و پیامبر بزرگ اسلام صلوات الله علیه در روایتی می فرماید: «إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ یَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ یَتَجَمَّلَ» - خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش نزد برادران خود می رود با ظاهری پرداخته و آراسته برود- (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۱) همچنین در احادیث مربوط به امام رضا علیه السلام نیز آمده، سلیمان بن یحیی گوید: یکی از روزها حضرت رضا علیه السلام می خواست سوار مرکب شود و نزد مأمون برود و من هم از نگهبانان منزل آن حضرت بودم، در این هنگام یک شانه خواستند و سر و ریش خود را شانه زدند و فرمودند حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند هر کس شانه را هفت بار بر سر و صورت و سینه خود بکشد مریض نمی گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۱۵) از این روایت استفاده می شود به غیر این که، ظاهر را زیبا می سازد در عین حال می تواند برخی بیماری ها را از انسان دور سازد که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین گرایش به جمال و زیبایی مربوط سرشت آدمی است و بشر همواره خواستار اشباع این میل و رغبت هست و در سیره عملی امام رضا علیه السلام نیز این مهم مشهود است.

۵-۳- استفاده از عطر

بوی خوش خود نوعی از تزیین است که آدمی را دوست داشتنی تر می کند و نشان از پاکی و شادی طرف مقابل است و موجب جلب توجه دیگران نسبت به خود می شود و شخص مقابل همواره با همنشینی و مصافحت با او شاد می گردد و باعث انس و الفت بیشتر می شود به همین دلیل امام رضا علیه السلام فرمودند: شایسته نیست انسان هیچ روز را از عطر زدن و بوی خوش آراسته شدن را ترک کند، اگر هر روز برایش ممکن نیست لااقل یک روز در میان عطر بزند، و اگر این مقدار هم نمی تواند، هفته ای یک بار (یا در

هر جمعه) عطر بزند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰). و این به قدری در سیره‌ی این بزرگواران ارزشمند بوده که در روایت دیگری از آن حضرت عطر زدن از سنت‌های پیامبران شمرده شده است (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۲).

۵-۴- سفارش به استفاده از انگشتری عقیق

از ابزارهایی که در تزیین آدمی از آن استفاده می‌نماید طلا و نقره است که ارز شمندتر هستند و همچنین قرار دادن سنگ‌های قیمتی بر روی این جواهرها می‌باشد؛ مکان قرارگیری اینها نیز جای بحث دارد که یکی از قسمت‌هایی که جلوه‌نمای زیبایی است انگشتان است که به انگشتری مزین می‌گردد و مورد توجه امام هشتم نیز بود و به آن سفارش می‌نمودند که طبق حدیثی امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: انگشتر عقیق در دست کنید که شمارا اندوه فرا نخواهد گرفت مادامی که انگشتر در دست داشته باشید. (علی بن موسی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۶۲) و این سفارش‌ها در سلسله امامان وجود داشته است چنانکه امام رضا علیه‌السلام نقل می‌نمایند از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: کسی که انگشتر عقیق در دست نماید، فقیر نخواهد شد و حاجت او به بهترین وجه برآورده می‌گردد. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۳)

۵-۵- سفارش به سرمه کشیدن

یکی از اعضای که در زیبایی مطرح است صورت هر فرد می‌باشد و در آن نیز بیشتر از بقیه چشم‌ها خودنمایی می‌کنند که قرآن در توصیف بهشتیان می‌فرماید: «وَحُورٌ عِیْنٌ» (الواقعه/۲۲) در تفسیر نمونه این چنین آمده «حور» جمع «حوراء» و «احور»، به کسی می‌گویند که سیاهی چشمش کاملاً مشکی و سفیدیش کاملاً شفاف است. و عین جمع عیناء و اعین به معنی درشت چشم است، و از آنجا که بیشترین زیبایی انسان در چشمان او است روی این مساله مخصوصاً تکیه شده است. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۲۱۵) با روشن شدن این موضوع تزیین چشم شرایط ویژه‌ای پیدا می‌کند و این مورد توجه امام رضا علیه‌السلام بوده و در روایت دیگر از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْتَحِلْ». «هر که خداوند و روز واپسین را باور دارد می‌بایست سرمه کشد». (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲) ذکر شد یکی از صفات پروردگار متعال جمیل است و جمال را دوست دارد و بنی آدم باید در آراستگی خود رضای پروردگار را در نظر بگیرند و از نعمت‌های حلال استفاده نمایند که یکی از این راه‌ها سرمه کشیدن است.

۵-۶- سفارش به خضاب کردن

از سفارش‌های دیگر در رابطه با آراستگی به خضاب کردن می‌باشد از ثمرات این زینت عفت زنان است که از حسن بن جهم نقل شده خدمت حضرت رضا علیه‌السلام رسیدم مشاهده کردم آن حضرت

محاسن خود را با خضاب سیاه کرده است عرض کردم محاسن خود را سیاه کرده‌اید؟ فرمود خضاب اجر دارد، و خضاب عفت زن‌ها را زیاد می‌کند، اگر مردها خضاب می‌کردند و خویشتن را آماده می‌کردند زنان از جاده عفاف بیرون نمی‌شدند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۲) منظور امام از خضاب کردن مرد برای همسرش این هست که نظیف و آراسته بودن مردان برای زن باعث خواهد شد که زنان از چشم چرانی و نگاه کردن به مردان اجنبی خودداری کنند.

در روایتی دیگر درباره امام باقر علیه‌السلام در باره زینت دنیایی می‌فرمایند: شایسته نیست که یک خانم از زینت دنیا عاطل و باطل بماند؛ حتی اگر با آویختن یک آویزه گردن باشد، خود را بیاراید. شایسته نیست که دست یک خانم، گرچه پیر و سالمند باشد، از خضاب خالی بماند- گرچه حنا را بر کفها بمالد و بعد از لحظه‌ای بشوید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۹)

مواردی که ذکر شد همه از اهمیت آراستگی در زندگانی امام رضا علیه‌السلام حکایت می‌کند که ایشان به چه اندازه به زیبایی و آراستگی اهمیت می‌دادند و دیگران را نیز به این مهم توصیه می‌نمودند و سفارش‌ها علاوه بر زبان در عمل نیز متجلی بوده است همان گونه که نقل شده، امام رضا علیه‌السلام با مأمون در یک مجلس برای بیعت نشسته بودند. مأمون از حضرت رضا تقاضا کرد که خارج شود و با مردم نماز عید قربان را بخواند، امام رضا فرمود: مرا از انجام این عمل معاف دار، ولی مأمون قبول نکرد. مأمون دستور داد تا سر لشکرها با لشکر سوار شوند و در رکاب آن حضرت باشند، امیر لشکرها با لشکر و سایر مردم آمدند درب خانه آن بزرگوار. امام رضا علیه‌السلام در حالی خارج شد که دو پیراهن و یک عبای سبز پوشیده بود، عمامه‌ای به سر نهاده بود که دو طرف آن از جلو و عقب آن حضرت آویزان بود، سرمه به چشم خود کشید، بوی خوش استعمال کرد، عصا به دست گرفت، همانطور که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در ایام عیدهای مذهبی این اعمال را انجام می‌داد، موقعی که امام رضا از منزل خارج شد درب خانه ایستاد، خدا را تکبیر، تقدیس، تهلیل و تسبیح کرد (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۲) همانگونه که دیده می‌شود این سفارش‌ها در عمل و همه جوانب زینت را در بر گرفته است.

۶- مهم ترین شیوه‌های مقابله با تجمل‌گرایی در سیره رضوی

علاوه بر تبیین صحیح تجمل و آراستگی که باعث می‌شود تا شکل صحیح و مورد پسندی از تجمل ارائه شود، بررسی سیره گفتاری و رفتاری امام رضا علیه‌السلام بیانگر آن است که راه‌هایی برای مقابله با تجمل‌گرایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد:

۶-۱- تشویق به ساده‌زیستی در سیره رضوی

ساده‌زیستی خود یک جنبه مثبت از زندگی است که انسان هیچ‌گاه از حد اعتدال خارج نشده و به دنبال هدف واقعی زندگی است نه اینکه خود را به زینت‌های دنیایی مشغول سازد و سیره رضوی چنین است که ایشان همیشه آراسته و زیبایی خود را حفظ می‌نمودند ولی هیچ‌گاه در این کار افراط را پسندیده

نمی‌دانستند و این در زندگانی ایشان کاملا دیده می‌شد. درباره ساده زیستی ایشان همین بس که حضرت امام رضا علیه‌السلام در تابستان از حصیر و در زمستان از فرش پشمی استفاده می‌نمود و در خانه بسیار ساده می‌زیست و جامه‌ای خشن بر تن داشت و هنگام حضور در انظار مردم خود را بالباس‌های ساده و نو و تمیز می‌آراست، هرگز از یاد خدا و ذکر حق غافل نبود، یکی از عبادت‌های آن حضرت این بود که پس از ادای فریضه صبح در اوّل وقت برای پروردگار خود به سجده می‌افتاد و تا زمان طلوع آفتاب سر از سجده بر نمی‌داشت. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۷۸) و از طرف دیگر ساده زیستی موجب دوام نعمت‌ها است و اسراف در آن او را از بین می‌برد همان گونه که امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: هر کس میانه‌رو و قانع باشد، نعمت در دست او باقی می‌ماند و هر کس به تبذیر و اسراف بپردازد، نعمت از او زایل می‌گردد. (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۳)

۶-۲- نکوهش تجمل‌گرایی

یکی از منکرات تجملات زیاد از حد است؛ چنین تجملی خارج شدن از حدود الهی را به دنبال دارد زیرا که خداوند تجمل‌گرایی به شکل افراطی را که از مسیر اعتدال خارج شده، دوست ندارد و در آیات قرآنی از جمله در سوره اعراف مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید: «يَبْنِيْ ءَادَمَ خُذُو زَيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوْا وَ اشْرَبُوْا وَ لَا تُسْرِفُوْا اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ» (اعراف/۳۱) - ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد. در تفاسیر ذیل این آیه در باره اسراف آمده است: اگر به اندازه کوه احد در راه خدا انفاق کنی، اسراف نیست و اگر به اندازه درهمی در راه معصیت انفاق کنی اسراف است. برخی گویند: معنای «لَا تُسْرِفُوْا» این است که در خوردن و نوشیدن از حد میانه روی خارج نشوید زینت را اسراف در نعمت‌ها دانسته (طبرسی، ۱۳۷۲)، ج ۴، ص ۶۳۶) و در تفسیر نمونه آمده است: چون طبع زیاده طلب انسان، ممکن است از این دو دستور (بخوردید و بیاشامید) سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» «وَ لَا تُسْرِفُوْا اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۹) در سیره‌ی امام رضا علیه‌السلام نیز با اسراف مقابله شده امام هشتم می‌فرمایند: اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر زند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷) و این اسراف‌ها گاهی برای تفاخر جویی و تکبر است که هم ثروت را از بین می‌برد و هم جان آدمی را که امام پرهیز از آن را توصیه نموده‌اند.

۶-۳- تشویق به اعتدال و میانه‌روی

اصل اعتدال و میانه روی یک ارزش در دین مبین اسلام است اعتدال در لغت به معنای رعایت حد وسط و میانه می‌باشد چنانکه آمده رعایت حد وسط و میانه در بین دو حال است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۳۳) و اعتدال بین افراط و تفریط است (مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۰۲) و این میانه

روی در سیره رضوی کاملاً مشهود می باشد پس باید در بحث آراستگی و زیبایی به گونه‌ای باشیم که راه میانه و اعتدال را برگزینیم اگرچه ممکن است عده‌ای از روی ناآگاهی ایراداتی را به این نوع از تجمل مثبت بگیرند چنانکه روزی یکی از غلامان امام رضا علیه‌السلام بنام عبید گوید: گروهی از مردم خراسان نزد حضرت رضا علیه‌السلام آمدند و بر لباس‌هایی که آن حضرت پوشیده بودند ایراد گرفتند. حضرت رضا سلام الله علیه به آنان فرمود: یوسف بن یعقوب پیغمبر و فرزند پیغمبر بود، پارچه‌های دیبا می‌پوشید و در مجالس آل فرعون می‌نشست، و این لباس‌ها و معاشرت‌ها او را از مقامش فرود نیاورد (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷۶، ص ۳۰۸). پس مشخص شد که در سیره این بزرگوار حرف مردمی که از روی غفلت سخنانی را می‌زدند جایگاهی نداشته و اعتدال را بهترین تجمل می‌دانستند و حتی تفریط را نیز در این مورد پسند نداشتند و حد وسط را تأکید می‌نمودند چنانکه روزی ابو الحسن الرضا علیه‌السلام خانه‌ای خرید و به یکی از وابستگان خود گفت: خانه‌ات محقر است، بیا به این خانه‌ای که من خریده‌ام نقل مکان نما. آن مرد گفت: پدرم این خانه را ساخته است. ابو الحسن گفت: اگر پدرت حماقت کرده باشد، شایسته است که تو نیز حماقت کنی؟ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲۵) این سیره رضوی بر گرفته از قرآن است زیرا در آیاتی از کلام الله آمده: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) - و آنها کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو حد اعتدال دارند-. حتی در انفاق نیز نباید دچار اسراف شد اگر این اتفاق بیافتد دچار تجمل‌گرایی منفی شده ایم که قرآن و در کنار آن ائمه اطهار دوری ما را از اسراف و فخر فروشی خواستند پس بهترین راه میانه در تمام جنبه‌های زندگی است.

۶-۴ - توجه به اصل مساوات و برابری

یک از چیزهایی که علت تجملات غیرمعقول و مورد نکوهش قرار گرفته رعایت نکردن مساوات و برابری است؛ زیرا اگر مساوات برقرار شود دیگر جایگاهی برای اسراف و زیاده روی در نعمتها باقی نمی ماند و همه به دنبال برتری جویی اصلی که همان تقوا است می روند، در قرآن نیز چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَى اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳) ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست همانا خداوند متعال دانا و خبیر است. در سیره امام رضا علیه‌السلام آمده است؛ روزی مردی از اهل بلخ می‌گوید: من در سفر امام رضا علیه‌السلام به خراسان ملتزم رکاب آن حضرت بودم. روزی حضرت فرمود سفره بگسترانند و بر سر سفره غلامان سیاه‌پوست و دیگران را دعوت کرد. عرض کردم: جانم به قربانت، خوب است برای این‌ها سفره‌ای جداگانه بیندازی، حضرت فرمود: این سخن را کنار بگذار، خداوند تبارک و تعالی یکی است و مادر و پدر یکی و پاداش آدمیان نیست مگر به اعمال آنان. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳۰). از این سخن مشخص می شود که مردمی که در این دنیا به دنبال فخر و تکبر هستند مسیر درستی را در پیش نگرفته اند و زمانی می توانند از آن دور باشند که مساوات و برابری را رعایت کنند.

۶-۵- توجه به اصل عدم وابستگی به دنیا

دنیاطلبی انسان از آنجایی است که به دنبال برتری خود نسبت به سایر هم نوعانش بوده و در این مسیر دچار افراط و تفریط در تجملات می‌گردد که باعث می‌شود تا هر روز وابستگی بشر به دنیا بیشتر شود چون او راه اسراف و یا راه پایین‌تر از اعتدال را در زیبایی‌ها و تزیین برگزیده و هیچ‌گاه به یک‌دیده ثابت نمی‌تواند دست یابد و همیشه به دنبال تجمل‌گرایی است تا بتواند خود را با این چیزها اثبات کند و به نوعی دچار تکبر است و به جای اینکه دیگران را هم ببیند فقط دوست دارد خودش را ببیند و انتظار او از بقیه هم همین است. اما او از فرجام کارش بی اطلاع است قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء، ۷۷) - به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا ناچیز است». بنا براین از نظر قرآن کریم تجمل‌گرایی و قرار دادن اساس زندگی بر محور تجملات، کار بی‌هوده است و هیچ‌گاه موجب رشد او نخواهد شد بلکه موجب خسران آن می‌باشد و از دیگر آثار منفی تجمل‌گرایی دور شدن از معنویت و دچار انحراف از مسیر پروردگار متعال هست، و این خود باعث می‌شود تا برداشت‌های اشتباهی از دین را در جامعه رواج دهند که قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (سوره ابراهیم ۳) - همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و (مردم را) از راه خداوند متعال باز می‌دارند و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند آنها در گمراهی دوری هستند. و یا در داستان حضرت موسی که زیورآلات خود یکی از عواملی است که مردم را دچار گمراهی و وابسته به دنیا می‌گرداند که می‌خوانیم: «وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ» (سوره یونس / ۸۸) - موسی گفت پروردگارا تو فرعون و اطرافیان‌ش را زینت و اموالی [سرشار] در زندگی دنیا داده‌ای و نتیجه‌اش این شده که [بندگانت را] از راه تو گمراه می‌سازند.

این‌گونه از تجملات انسان را برده دنیا می‌گرداند و تا زمانی که در این دنیا است چشم خود را به واقعیت‌ها می‌بندد و فقط به دنبال زرق و برق دنیا است.

در نظر علی بن موسی الرضا علیه‌السلام دنیا بسیار کوچک بود، چنانکه بزنی گفت به حضرت رضا علیه‌السلام چیزی را عرض کردم فرمود صبر کن من امیدوارم خداوند برای تو درست کند آنگاه فرمود آنچه خداوند برای مؤمنین ذخیره کرده در آخرت بسیار بهتر است از آنچه در این دنیا به آنها می‌دهد بعد دنیا را کوچک شمرده، فرمود دنیا چیست؟! کسی که ثروتمند است پیوسته خطر او را تهدید می‌کند، و حقوق خدا بر او واجب است. به خدا مرا خداوند نعمت‌هایی داده پیوسته از جانب آنها بیمناکم تا وقتی حقوقی را که خدا واجب کرده خارج کنم. (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۴۹، ص ۹۶)

۶-۶- عدم فخر فروشی

یکی از آسیب‌های تجمل‌گرایی پیدایش روحیه کبر و تفاخر است که انسان به وسیله این کار می‌خواهد به خود ببالد و با فراهم آوردن امکانات و دارایی‌هایی به دنبال به دست آوردن شخصیتی برای خود

است که این شان و شخصیتی کاذب شاید او را از خود راضی کند ولی نه تنها در زندگی این دنیا از محبوبیت برخوردار نمی باشد بلکه آخرت خود را نیز از دست می دهد و با این موضوع مشخص شد که یکی از عوامل ایجاد اسراف در نعمت‌ها و تجمل‌گرایی منفی تفاخر فروشی است که در قرآن آمده. «اعلموا أنّما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم...» (حدید/۲۰) - بدانید همانا زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و تفاخر در میان شما- اما امام رئوف حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام چنین می‌فرماید: و خواهش به‌سوی تو است ای آنکه لایق به اوست فخر نمودن یعنی یا آن‌که به سبب او است تفاخر و بزرگی هر احدی بر دیگری. والله یعلم. (ابن طاووس، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰) پس با این دعا مشخص شد که امام رضا علیه‌السلام بزرگی را مخصوص پروردگار متعال می‌دانستند و اگر بزرگی نیز باشد از طرف اوست و نمی‌توان با زیورات آن را کسب نمود؛ و در حکمت ۳۹۸ از نهج البلاغه از امام علی علیه‌السلام آمده است: «ضَعْفُ فِخْرِكَ وَ اِخْطَاطُ كِبْرِكَ وَ اذْكَرُ قَبْرِكَ» - فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خود بزرگ بینی را رها کن، به یاد مرگ باش. (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۶). با توجه به این روایت می‌توان گفت که یکی از راه‌های درمان فخر فروشی یاد مرگ است اینکه انسان بداند این دنیا فقط محل عبور است نه بیشتر و حیات جاودان در پس این دنیا است. یکی از عوامل فخر فروشی نگاه ظاهری به دنیا است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم/۷) - آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت (و پایان کار) بی‌خبرند- یعنی می‌دانند آنچه را که مربوط به عمران آبادانی دنیایشان است را ولی از آخرت خود در جهل هستند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۲) و دیگر اینکه دنیا و حالات آن، از عالم حضور و آخرت و ترس و وحشت آن، از عالم غیب است. بدیهی است که عالم شهادت را با حواس ظاهری می‌توان درک کرد، اما عالم غیب، تنها از راه وحی قابل درک است و این، در حالی است که مشرکان وحی را باور ندارند. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۳۰) پس آنهایی که بینشی ظاهری از دنیا دارند دچار شرک هستند زیرا هیچ توجهی به اصل نظام آفرینش و هدف از خلقت را ندارند و خود را محصور به زندگی دنیا کرده‌اند. بنابراین باید به این موضوع توجه داشت و همواره از ظاهر بینی به دور بود این تدبیر در پیامدهای ناگوار آن و توجه به حکمت و علم و عدالت خداوند قابل حل است.

۶-۷- عدم حسادت در زندگی

یکی از رذایل اخلاقی حسد ورزی است که نه تنها انسان را به جایی نمی‌رساند بلکه موجب اذیت و آزار او می‌شود و حتی می‌تواند به اندازه‌ای باشد که بتواند شخص را از بین ببرد همانطور که گفته شد حسادت از اخلاق ناشایستی است در آیات قرآن نیز آمده است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (البقره/۱۰۹) - بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق بر ایشان آشکار شد- دوست می‌دارند که برگردانند شما مؤمنان را از اسلام به کفر از پس ایمانتان به جهت حسدی که بر شما دارند و

این حسد آنها ریشه باطنی و نفسی دارد، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا زمانی که خداوند فرمان خویش را صادر سازد، همانا خداوند بر هر چیزی تواناست. حسد زمانی اتفاق می‌افتد که شخص، طرف مقابل را بالاتر از خود ببیند و این حسادت باعث می‌شود انسان از مقامش نزول پیدا کند و این حسد سرانجام خود او را نیز از بین می‌برد امروزه ما شاهد چنین رفتارهایی هستیم که به چشم‌وهم‌چشمی معروف است، مردم برای اینکه نسبت به سایرین کمبودی را احساس نکنند تجمل به شکل نادرست را در پیش می‌گیرند تا بتوانند این حسادت را درمان کنند اما آنان در اشتباه هستند و با هر تجملی که انجام می‌دهند به تنهایی این عطش آنان کمتر نمی‌شود بلکه بیشتر نیز می‌گردد و باعث می‌شود این بیماری وخیم‌تر شود و حتی ممکن است از نعمت‌هایی که خداوند برای ایشان قرار داده بود به دلیل این حسادت از آنان سلب شود که حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: «كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَسْبِقَ الْقَدْرَ - «حسد موجب پیشی گرفتن مقدرات الهی می‌شود». (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۳۲). یعنی اینکه حسادت شخص حسود به اندازه ای است که ممکن است خداوند نعمتهایی را که برای او مقدر فرمودند را زایل نماید و حتی امکان دارد محسود باعث کشته شدن خودش شود امّلاً را ه حلی برای او باقی مانده این است که حکمت خداوند را در نظر داشته و راضی به تدبیر خداوند متعال باشد و همواره دنبال پیشرفت خود باشد که به صورت غبته خودن نسبت به دیگران باشد یعنی از خداوند درخواست نعمت را داشته باشد همانگونه که به دیگران عطاء نموده برای او هم ببخشاید و صبر پیشه نماید.

۶-۸- عدم تأثیرپذیری از امت‌های دیگر

از گناهان دیگر، الگوگیری نامناسب و تقلید کور، کورانه است تمایل به الگوگیر بالفطره در انسان وجود دارد و آدمی همواره به دنبال بشری کامل است تا بتواند در خلق و خو رفتار و گفتار از او پیروی نماید و در این زمینه قرآن کریم برترین الگو که همان انبیاء و ائمه علیهم السلام هستند را معرفی کرده است می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب ۲۱/)- هر آینه برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. اما گاهاً بشریت در انتخاب اسوه برای خود به بی راهه رفته و از افرادی تقلید می‌نماید که خود را به هلاکت می‌کشاند و تا می‌تواند اسراف می‌نماید که از طرف خداوند مردود اعلام شده است چنانکه آمده: «وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعراء ۱۵۱/)- و اطاعت فرمان مسرفان نکنید. و در ادامه باید گفت تأثیرپذیری از سایرین و الگوبرداری از دیگر اقوام کار خیلی درستی هم نیست زیرا آنان ممکن است از آنکه تقلید کرده دچار تکبر باشند و در این عصر ما آن را مشاهده می‌کنیم، افرادی که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند تحت تأثیر غرب قرار گرفته‌اند که چیزی جز اسراف و فخرفروشی در آن دیده نمی‌شود. این موارد در آیین اسلام که دین کامل است توصیه نشده است. تأثیرپذیری زمانی درست است که با ارزش‌های دین مبین اسلام سازگاری داشته باشد در غیر این صورت کاری عبث است که جامعه را نیز دچار فقر و فحشا و سایر بدی‌ها می‌کند و تأثیر گرفتن در مواردی که نیازی را بر طرف نکند مورد

نکوهش بوده است همان طور که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا به تن نکنید، و از غذای دشمنان من نخورید، و راه دشمنانم را نپوید، زیرا در غیر این صورت شما نیز از دشمنانم خواهید بود، همان طور که آنان دشمن من هستند. (طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۳۲۵)

۶-۸- راضی بودن به رضای پروردگار

اگر انسان راضی به رضای الهی باشد و بداند که بهترین کاردان نسبت به خداست کارهایش را به او می سپارد و در مقابل نعمت‌هایی که به او می‌رسد سپاس گزار خواهد بود ولی اگر چنین نباشد کفر نعمت صورت می‌گیرد و انسان برای اینکه توجهی به ارزش‌های عالی ندارد به دنبال ارزش‌هایی خواهد بود که نه تنها برتر نیست بلکه از عوامل دانی است. چنانکه در موضوع ذیل توصیه امام به شکر و رضایت از پروردگار را مشاهده می‌کنیم احمد بن عمر گوید: من و حسین بن ثویر بن ابی فاخته نزد حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدیم من بدان حضرت عرض کردم: ما در (وضع خوب و) فراخی روزی و خرمی زندگی بودیم و اکنون قدری وضع ما به هم‌خورده به درگاه خدای عز و جل دعا کن که وضع ما را بهمان منوال بازگرداند! فرمود: چه می‌خواهید؟ می‌خواهید سلطان باشید؟ آیا خوشتر می‌آید که مانند طاهر و هرثمه باشی ولی مذهب و عقیده‌ات برخلاف آنچه اکنون داری باشد؟ عرض کردم: به خدا نه، من خوش ندارم که همه دنیا را پر از طلا و نقره داشته باشم ولی مذهبم برخلاف آنچه اکنون دارم باشد. فرمود: پس هر که از شما توانگر است باید شکر خدا کند، که خدای عز و جل فرماید: «اگر سپاسگزاری کنید بر شما (نعمت را) بیفزایم» (سوره ابراهیم آیه ۷) و نیز خدای سبحانه و تعالی فرماید: «ای خاندان داود شکرگزاری (نعمت) کنید که اندکی از بندگان من شکر گزارند» (سوره سباء آیه ۱۳) و گمانتان را به خدا نیک کنی. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۳۴۶) و در جای دیگر یکی از رکن ایمان را رضایت پروردگار متعال معرفی می‌کند ایمان دارای چهار رکن است ۱- توکل بر خداوند متعال ۲- راضی و خشنود بودن بقضاء الهی ۳- تسلیم بامر پروردگار ۴- واگذاری کارها بخداوند مهربان که بنده صالح خدا (مؤمن آل فرعون) گفت و افوض امری الی الله من کارهای خود را بخدا تفویض مینمایم خداوند هم میفرماید فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُواْ خَدَاوْنَدِ اُوْ رَا اَز مَكْر و نقشه شوم آنان محفوظ داشت. (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵۴)

۶-۹- توجه به هدف خلقت انسان

یکی از راه‌های پیشگیری از تجملات اضافی توجه به هدف آفرینش است اینکه انسان بداند بی هدف و بیهوده آفریده نشده همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مومنون/۱۱۵) - ولی آیا گمان کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد؟ - بشریت برای کارهای بزرگتری به این هستی پا نهاده نه برای هوس رانی و چند روزی زندگی در این دنیا فانی پس باید همواره به ارزشمندی اصل وجودی خود و هدفمندی این نظام هستی توجه

داشته باشد و برای خو متذکر گردد اگر این گونه باشد از اسراف و بیهودگی هم خارج خواهد شد و از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است: «لَا يَزُولُ قَدَمُ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْئَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمَرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ عَمَلِهِ مَا ذَا عَمِلَ بِهِ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۸۳) - «در روز قیامت، هیچ بنده ای قدم از جای خود برندارد، تا این که درباره چهار چیز از او سؤال شود: از عمرش که در چه راه صرف کرده است، از بدنش که در چه راه آن را فرسوده است، از مالش که در چه راه». بنابراین هدف نهایی انسان رسیدن به قرب الهی است که آن سعادت‌مندی واقعی است زیرا که تنها اوست در تمام صفات کامل و جامع آن صفت است و از رذایل بری است و امام موسی کاظم علیه‌السلام نیز در حدیثی هدف از خلقت انسان را این گونه بیان می کند: «فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَ لَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْصُوهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۵۶) - «خداوند بزرگ جن و انس را برای این آفریده که او را عبادت و اطاعت کنند، برای این نیافریده است که نافرمانی اش نمایند».

۶-۱۰- مشارکت در امور خیر و توجه به نیازمندان

یکی دیگر از راهکاره برای مقابله با تجمل گرایی تشویق به انجام کار های خیر است با این کار دیگر انسان دچار اسراف نمی شود بلکه هر قدر هم در کمک به دیگران کوشا باشد خداوند اجر و ثواب دنیوی و اخروی آن را فراهم می سازد و به او در انجام این کار نیز کمک می کند و این شخص بزرگی واقعی را از جانب پروردگار بدست می آورد نه با تجملات به وسیله ابزار هایی بی ارزش که فقط شاید در این دنیا مطرح هستند پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در حدیثی، یکی از نشانه های شخص مسرف را عدم رغبت در کار خیر معرفی می کند: «وَ أَمَّا عَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَأَرْبَعَةٌ الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ وَ يَزْهَدُ فِي اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲) : نشانه‌ی اسراف کار چهار چیز است: به کار های باطل می نازد، آنچه را فرا خور حالش نیست، می خورد، در انجام کار های خیر بی رغبت است و راهکار دیگری قناعت در زندگی است تا انسان بهتر بتواند درک مناسبی از زندگی نیازمندان را به دست آورد برای همین امام رضا علیه‌السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَقْنَعْهُ مِنَ الرِّزْقِ إِلَّا الْكَثِيرُ لَمْ يَكْفِهِ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا الْكَثِيرُ وَ مَنْ كَفَاهُ مِنَ الرِّزْقِ الْقَلِيلُ فَإِنَّهُ يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ الْقَلِيلُ.» کسی که جز بروزی زیاد قناعت نکند، جز عمل بسیار بسش نباشد و هر که روزی اندک کفایتش کند، عمل اندک هم کافیش باشد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۸) پس با این نگاه نیازی به ریخت و پاش اضافی پسندیده نمی باشد بلکه موجب زحمت است که باعث فراموشی فقراء نیز می شود.

۶-۱۱- یاد معاد

اکثر زیاده‌روی‌ها در تجملات به این است که مردم از یاد معاد به دور هستند و از اهدافی که پروردگار متعال برای زندگی آنان مقدر کرده اند ناآگاه، به همین سبب چشم خود را آخرت بسته و فقط دنیا را می‌نگرند و دچار زشتی‌ها می‌شوند طبق آیه ای که می‌فرماید: «... إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ

أَعْمَلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ» (نمل/۴) - کسانی که ایمان به آخرت ندارند اعمال (سوء) آنها را برای آنان زینت می‌دهیم به طوری که آنها سرگردان می‌شوند-. یعنی جلوه‌گر ساختن کردار زشت برای ناباوران به آخرت، از ناحیه خداوند است این به سبب ایمان نداشتن به آخرت و غرق زندگی دنیا شدن است اما علی بن موسی‌الرضا فرموده‌اند خدا یا افتخار می‌کنم و با زهد و پارسائی امیدوارم از شر دنیا آسوده شوم و با خودداری و پرهیزگاری نسبت به کارهای حرام امید رستگاری و مزایای آخرت را دارم و با تواضع در دنیا انتظار مقام بلند را در آخرت نزد خدا دارم. (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۴۹، ص ۱۱۷) این بینش از آنجا نشأت می‌گیرد که آخرت را درک نموده‌اند و خود را برای ورود به آن آماده کرده‌اند، اگر انسان همواره به یاد مرگ باشد و بداند این دنیا گذرگاهی بیش نیست سعی خواهد کرد تا خود را بیشتر از این مشغول ابزارهای دنیایی نکند و باید دانست که آیا هدف ما در این دنیا تفاخر و کبر است یا باید هدفی والاتر را دنبال کرد.

۷- نتیجه‌گیری

دین جامع اسلام علاوه بر حیات دنیوی، جزئیات مسائل اخروی انسان‌ها را نیز در نظر داشته که ائمه علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام در تبیین آنها در سیره گفتاری و رفتاری خود کوشیده‌اند، از جمله مسائل مورد نیاز جامعه کنونی توجه به مفهوم آراستگی است که پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی در پی تحلیل تجمل و آراستگی در سیره امام رضا علیه السلام و تبیین مفهوم مثبت آن و ارائه راهکارهای مقابله با تجمل‌گرایی منفی می‌باشد که بررسی منابع مختلف بیان می‌کند به طور مستقل از سوی محققان مورد پژوهش واقع نشده است.

«تجمل» واژه‌ای عربی است به معنای آراستگی و زینت و تجمل‌گرایی به معنای رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی است.

برای مقابله با تجمل‌گرایی باید ابتدا شیوه صحیح آن را به مردم آموخت آنگاه با شیوه‌های نادرست مقابله کرد، لذا لازم است تا تجمل‌گرایی مورد تأیید امام رضا علیه السلام تبیین شود، تجمل‌گرایی به شکل صحیح در سیره امام رضا علیه السلام گونه‌های مختلفی داشته است که می‌توان مهم‌ترین آنها را چنین بر شمرد: تشویق به آراستگی، آراستگی به هنگام دیدار دیگران، استفاده از عطر، سفارش به استفاده از انگشتر عقیق، سفارش به سرمه کشیدن و خضاب کردن.

بررسی سیره گفتاری و رفتاری امام رضا علیه السلام بیانگر آن است که راه‌هایی برای مقابله با تجمل‌گرایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تشویق به ساده‌زیستی در سیره‌ی رضوی، نکوهش تجمل‌گرایی، تشویق به اعتدال و میانه‌روی، توجه به اصل مساوات و برابری، توجه به اصل عدم وابستگی به دنیا، عدم فخرفروشی، عدم حسادت در زندگی، عدم تأثیرپذیری از امت‌های دیگر، راضی بودن به رضای پروردگار، توجه به هدف خلقت انسان، مشارکت در امور خیر و توجه به نیازمندان و یاد معاد. هر یک از موارد مذکور در مقابله با تجمل‌گرایی با توجه به احادیث منقول از امام رضا علیه السلام و سیره رفتاری آن حضرت اثرگذار است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (ترجمه آدینه‌وند لریستانی، محمدرضا، ۱۳۷۷، تهران، اسوه).
۲. نهج البلاغه (شریف الرضی، محمد بن حسین، تصحیح صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت).
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
۴. _____ (۱۳۹۸ ق)، التوحید، قم، جامعه مدرسین.
۵. _____ (۱۴۰۶ ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
۶. _____ (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۹)، مهج الدعوات، ترجمه طبسی، محمد تقی بن علی نقی، تهران، رایحه.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر / دار صادر.
۱۰. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹ ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۲. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، (۱۴۰۴ق)، قصص الأنبياء، ترجمه مشایخ، فاطمه، تهران، انتشارات فرحان.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
۱۶. رستگاران، علی رضا، (۱۳۸۲)، تجمل گرایی از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۶)، مقدمه الأدب، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۹. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ ق)، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریة.

٢٠. طبرسي، فضل بن حسن، ١٣٧٢، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
٢١. علي بن موسى، امام هشتم عليه السلام، (١٤٠٦ ق) ، **صحيفة الإمام الرضا عليه السلام**، مشهد، كنگره جهاني امام رضا عليه السلام.
٢٢. كليني، محمد بن يعقوب، (١٤٠٧ ق) ، **الكافي**، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٢٣. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، (١٤٠٣ ق) ، **بحار الأنوار**، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٢٤. مصطفوي، حسن، (١٣٦٨) ، **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٢٥. مغنيه، محمدجواد، (١٤٢٤ هـ. ق) ، **التفسير الكاشف**، قم، دار الكتاب الإسلامي.
٢٦. مكارم شيرازي، ناصر، (١٣٧١) ، **تفسير نمونه**، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٢٧. منسوب به جعفر بن محمد عليه السلام، (١٤٠٠ ق) ، **مصباح الشريعة**، بيروت، اعلمي.
٢٨. منسوب به علي بن موسى عليه السلام، (١٤٠٦ ق) ، **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام**، مشهد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
٢٩. موسى، حسين يوسف، (بي تا) ، **الإفصاح**، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.